

ریسندگی و بافندگی ممتاز

"تصفیه و" پاکسازی" علم شده از طرف حزب فراگیر جمهوری اسلامی بالاخره دامن کارخانه ممتاز را هم فراگرفت. اخیراً حدود ۱۴ نفر از کارگران مبارز این کارخانه (برخی از آنها شش سال، چهار سال و دو سال سابقه کار در کارخانه را داشته و اکثر آنها رزگردانیدن کارگرانی که بدلیل مبارز بودن اخراج شده بودند، نقش فعالی داشتند) اخراج میشوند. بطوریکه از شواهد امر برمیآید این رشته سرد را دارد، زیرا شورای ضد کارگری کارخانه در نظر دارد که حدود ۵۳ تن از کارگران مبارز این کارخانه را اخراج کند. روشن است که این باصلاح پاکسازی تحت پوشش تصفیه عناصر ساواکی و وابستگان به رژیم سابق اجراء می شود. ولی دروغ بودن این ادعا هر روز بیشتر برای کارگران روشن میشود. زیرا اگر اینسان واقعاً قصد اخراج عوامل رژیم سابق را داشتند، پس چگونه است که هنوز افرادی چون اکبر اکبری و رضاعیت و.... در کارخانه با گرفتن حقوقهای کلان بکار مشغول هستند؟ افرادی که در زمان آریامهر بر رأس سندیکا و فروشگاه و.... قرار داشتند و کارگران هزاران نمونه از زورگویی و قلداری و دزدی آنان بیاد دارند. کارگران کارخانه برای اخراج این افراد در قبل از عید ۱۵۰۰ اعضا جمع کرده و چون دیدند گوش کسی بحرفشان بد هکار نیست، خود رأساً اقدام و آنان را اخراج کردند. اما پس از چندی آنها بکمک افراد کمیته و وزارت "کار" بقیه در صفحه ۳

نخبر روزی زمیسن الترحیل
پیکار خلق

۵۰

یکشنبه ۲۶ مرداد ۵۹

گروه انقلابیون و کسبست لنینست

رجائی و کابینه

"یکدست!"

بالاخره صدای هلهله و شادی مهره های حکومتی به هوا برخاست که نخست وزیر مطلوب "امت" را یافتیم! این شخص مص رجائی وزیر آموزش و پرورش رژیم ضد خلقی و نماینده مجلس فرمایشی است. وی کسی است که همراه با هنر و بهشتی شرکت بازرگانی و ساختن اهداف واسو رایه گذاری کرده و از قبل دسترنج زحمتکشان سودهای کلانی بجیب میزنند. هردانش آموز و آموزگار ضد امپریالیست و انقلابی بخوبی میدانند که رجائی چگونه با بخشنامه های ارتجاعی دانش آموزان مبارز را تحت فشار و سرکوب قرار داده و معلمین انقلابی را اخراج کرد.

اما بر سر تعیین نخست وزیر رجناح های حکومت ارتجاعی کشمکش های بسیاری صورت گرفت. خواننده عزیز اگر فراموش ننموده باشد میدانند که بنی صدر در رابطه با میروسلیم یکی از اعضا حزب جمهوری اسلامی را برای نخست وزیری معرفی نموده بود. حزب جمهوری اسلامی که اکثریت نمایندگان مجلس را بخود اختصاص داده است، نماینده فراوانی داشت که جلال الدین فارسی انتخاب شد. اما این فرد بدلیل آنکه به هیچ شکلی حاضر به کنار آمدن با جناح بنی صدر نبود، مورد توافق بنی صدر قرار نگرفت. پس از این کشمکش هیئتی تعیین و وارد "بررسی" شد و بالاخره حزب جمهوری اسلامی توانست رجائی را که بهشتی در موردش میگوید "آقای محمد علی رجائی عضو حزب جمهوری اسلامی نیست ولی از کسانی است که خط مشی حزب را تأیید بقیه در صفحه ۲

نامه یک کارگر به همزنجیرانش

ضمیمه

اخبار کردستان

د مکررات مقرر موسی لو در اجرای شکایت کارفرما و نفراز کارگران را احضار نموده - کارگران بعنوان اعتراض به مقر حزب در قرقه موسی لو مراجعه کرده و از آنجابه مهاباد آمدند. سرانجام کارفرما با خواسته های آنها موافقت نمود و نمایندگان به همراه دیگر کارگران بسر کار خود مراجعت کردند. بقیه در صفحه ۴

هوکان * ۵۹/۵/۲ - در این روز سه فروند از هلی کوپترهای جمهوری اسلام می روستای تکان تپه را زیر آتش گرفتند که در نتیجه آن یک نوجوان ۱۲ ساله هدف قرار گرفت و در بیمارستان به شهادت رسید. ۵۹/۵/۱ - در این روز اعتصاب ۴ روزه کارگران قالد ارکوره پرخانه اتحاد بسا پیروزی پایان رسید و کارگران به سر کار خود بازگشتند.

این اعتصاب از روز ۲۸/۴/۵۹ آغاز شده، کارگران خواستار ۹۰۰ ریال مزد برای هر / ۱۰۰۰ قالب بودند. کارفرما ۸۰۰ ریال تعیین کرده بود. همچنین کارگران خواستار پرداخت مستمری عقب افتاده ماههای اخیر خود بودند. در روز سوم اعتصاب حزب

مشت نمونه خروار است

صفحه ۴

مرگ بر امپریالیسم و سرمایه داری وابسته

رجائی و ...

کرده است"، به بنی صدر تحویل نماید. رفسنجانی در یک صاحب مطبوعاتی میگوید: "ولی در مذاکرات و مشورت‌های قبلی که صورت گرفته است، حزب جمهوری اسلامی هم نظر خود را عنوان کرده بود که اکثریت اعضا"شور" حزب با آقای رجائی موافق هستند".

جلالی که از طرف بنی صدر زهیئت تعیین نخست وزیر شرکت کرده بود، رجائی را مطابق میل رئیس جمهور نمیداند. بنی صدر هم در نامه ای که برای معرفی رجائی به مجلس مینویسد، غیر مستقیم از خود سلب مسئولیت مینماید.

همچنانکه قبلاً بارها گفته ایم جنگی جدال دو جناح سرمایه داری حزب جمهوری اسلامی و بنی صدر، بخاطر تسخیر اهرمهای اصلی سیاسی قدرت میباشد تا پایه های اقتصادی را بنفع خود تقویت نمایند. نخست وزیر بودن در واقع یکی از اهرمهای اصلی برای دست یافتن به چنین هدفی است. نخست وزیر یا تعیین فزرای مورد نظر میتواند بنوام اهرمهای سیاسی - اقتصادی کشور دست یابد، لذا اهرجناح که بتواند کابینه و نخست وزیر را از آن خود داشته باشد، سهم اصلی را برده است. در این جنگ بنی صدر بازنده شد. بنی صدر برای آنکه از قافله عقب نماند، دست به افشاگریهای دو-پهلوی میزند. او از یکطرف رجائی را بعنوان شخصی که تجربه زیادی در امور مملکتی ندارد و سرخود عمل میکند، افشا مینماید و کار را بجائی میرساند که در یکی از سخنرانیهایش در مسجد الجواد، مستمعین خود را تحریک کرده و وادار به گفتن "مرگ برجائی" می-نماید و از طرف دیگر رجائی را "مؤمن به انقلاب اسلامی" بحساب آورده و در حقیقت در مقابلش عقب می نشیند. بنی صدر پس از شکستی که در انتخاب نخست وزیر خورد، حال میخواهد به رجائی بفهماند که باید در تشکیل کابینه از جناح وی استفاده بعمل آورد و از این جهت در یک سخنرانی میگوید "اگر مردم را در راه خودشان مشارکت ندیم، گروهها بجنگ قدرت میپردازند و هرچ و هرچ میشود. آنطور که در بیست و هشتم مرداد شد".

در مقابل، رفسنجانی از قول رجائی حسابش را باینی صدر روشن میسازد و میگوید "من این

سخن آقای رجائی را که امروز در مجلس عنوان کردم می پسندم که کابینه اگر بصورت شرکت سهامی در نیاید بهتر است اگر کابینه یک دست نباشد وقت گیر خواهد شد".

فی الواقع رجائی از هم اکنون برای تشکیل کابینه یک دست و یانزدیک به یک دست وارد فعالیت وسیعی شده است. وی بانعام ارگانها و نهاد های وابسته به حزب جمهوری اسلامی و یا متعایل به آن، چون سپاه پاس-داران، جهاد سازندگی، کمیته مرکزی ج-معه مدرسین حوزه علمیه قم و تماس برقرار نموده و آنطور که خود میگوید میخواهد افرادی را از این مراکز بعنوان وزیر انتخاب کند. مطلبی که از همین امروز روشن است، این است که حزب جمهوری اسلامی اکثریت کرسی کابینه را در دست خود متمرکز خواهد ساخت و با قدرت بیشتری از یکسو بجنگ با جناح رقیب در حکومت، و از سوی دیگر بمقابله با انقلابیون و کمونیستها خواهد خواست. اما مطلب مهمی را که نباید فراموش نمود، این است که علیرغم تمام هوجبگریها و حقه بازی-های سیاسی که دو جناح سرمایه داری حا-کم در ایران بر علیه یکدیگر برپا دارند، این حکومت بنفع زحمتکشان میهن مآدمی بر نخواهد داشت. آنها حاضرند بانام مردم مردم را قربانی اهداف منافع جویانه و پلیس خود سازند. این منطق طبقاتی آنهاست و جز این راه دیگری ندارند.

تصحیح و پوزش

در پیکار خلق شماره ۴۹ صفحه ۳ ستون ۳ در دنباله مقاله "دست هیئت حاکمه آفشته بخون انقلابیون" سطر ۱۱ جمله "صغیر گلوله های خلق کرد" اشتباه بود و صحیح آن "صغیر گلوله های دشمن" خلق کرد" میباشد. با عرض معذرت از خوانندگان عزیز، میکوشیم در نایب مقالات دقت بیشتری بنمائیم.

در بخش

پیکار خلق

ما را یاری رسانید

دو گزارش از ...

آنها قرار میگیرند و در این مواقع است که فاجای یعنی از قبیل آنچه که در پنجمین ۵۹/۵/۹ اتفاق افتاد، رخ میدهد. البته نباید خیال کرد که این اتفاقات و فجایع منحصر بکارگران تازه کار و جدید است، بلکه چنین خطراتی جان کارگران با سابقه و قدیمی را هم تهدید میکند. مهمترین عامل آن همانا راندن میان مسئله کارمندی است. بخاطر بالا بردن راندن مان حتی گاهی اگر دستگاهی نقص پیدا کند، چون تا آمدن مکانیک و تعمیر آن مدت زمانی و شاید ساعتها طول بکشد و در این فاصله باید ماشین خوابانده شود و لستند بدی است که این کار باعث پائین آمدن راندن مان و در نتیجه مزد کارگر میشود، به همین جهت کارگرمی میکند به تدریج شده ماشین وایکارانند اخته و راندن مان خود را زیاد کند. در اینجا نیز فجایعی از قبیل ماندن دست لای ماشین، شکستن دست و سر و ... بوقوع میپیوندد. و اینهاست جزئی از "ارمغان" سرمایه دار و رژیم سرمایه داری برای کارگران. ریشه کن باد هر آن رژیم که انسان را در خدمت ماشین، سرمایه دار و سرمایه داری درمی آورد.

منتشر شد:

مسائل

تئوریک-سیاسی

نکاتی پیرامون اوضاع کنونی

و مسئله وحدت

نقدی بر مواضع ایدئولوژیک

- سیاسی "وحدت انقلابی برای

آزادی طبقه کارگر" (۲)

در رد تئوری ضد مارکسیستی

"سازمان تلافی"

یادداشت‌هایی بر کودتای ۲۸

مرداد ۳۲

(۴)

گروه انقلابیون مارکسیست - لنینیست

دو گزارش از ...

مجدد ییکارگمارده میشوند و در حال حاضر با گردنی افراخته در کارخانه به رفت و آمد مشغول میباشند. اگر شورای ضد کارگری راست میگوید، اگر حکومت جمهوری اسلامی راست میگوید، باید کارخانه از وجود این عناصر مزبور پاک شود و نه عناصر و کارگران مبارز که حرکت و هدفشان در خدمت منافع کارگران است. شورای ضد کارگری قبل از عید بر اثر افشاکاری عناصر گله و کارگران مبارز در زمینه زد و بند هایی که بامدیرعامل قبلی، یعنی "مقدم" داشتند، ناچار به استعفا شد. ولی بعد آبرائکم کاریهایی در پیشبرد یک سیاست درست و یابرنامه در رابطه با چگونگی تشکیل یک شورای کارگری واقعی مجدد اکثر افراد این شورا انتخاب شدند. و اینک همین شورای ضد کارگری، طبق اطلاعیه ای خبر از اخراج ۱۴ تن از کارگران مبارز را میدهد و آنها هم باین عنوان که این کارگران در منزل جلسه داشته و قصد داشتند همزمان با کودتای اخیر ارتش، این هانیز در سطح کارخانه دست به اغتشاش، تخریب و اعتصاب و.... بزنند! و بالاخره تبلیغ این امر که فقط این عدّه نبوده بلکه حدود پنجاه شصت نفر دیگر را هم در این رابطه اخراج خواهیم کرد. ولی واقعیت غیر از این است. رژیم جمهوری اسلامی و عوامل آن همواره میکوشند با زن برجسبها و شایعه پراکنی، دست به تصفیه و اخراج کارگران مبارز بزنند (بخصوص اگر وقایعی مثل کودتاهم در بین باشد فرصت را بیشتر غنیمت می شمارند) زیرا این کارگران در حرکت خود نشان داده اند که باین رژیم سرساز-کاری ندارند و همواره به افشاء بیرحمانه وی دست زده و کوشیده اند که ماهیت ضد کارگری حکومت را برای کارگران دیگر توضیح دهند تا از خوش باوری کارگران ناآگاه نسبت به این رژیم جلوگیری کنند. اما رژیم و عوامل آن تا چه وقت قادر هستند با سیاستهای عوام فریبانه به زندگی تنگین خود ادامه دهند؟ بابررسی وضعیت اجتماعی - اقتصادی موجود و مطالبه کارنامه نزدیک به ۲۰ ماهه حکومت روشن میگردد که این رژیم عملاً قادر به ادامه اینکار در رازمدت نیست. چه دیگر کارگران و اقشار زحمتکش هر روز امید اولیه خود را به

حکومت کم کم از دست داده و در زندگی روزمره خود میبینند که حکومت جمهوری اسلامی نه تنها در خدمت آنها نیست، بلکه در مقابل آنها قرار گرفته است. و در اینجاست که کوشش انقلابیون کمونیست و کارگران آگاه میتواند در تسریع روند این پروسه (زده شدن امید زده ها به حکومت) نقش مهمی ایفا کرده و با انشاء همه جانبه حرکات و سیاستهای حکومت و بخصوص با ردیدن چهره "ضد امپریال-ستی" آن، هرچه بیشتر زمینه اعتلا شرایط هنی کارگران و توده های زحمتکش وسیع و انداختن آنان را در سازمانها و تشکلهای مختلف بخود، فراهم ساخته و در جهت برآوردن جمهوری دموکراتیک خلق پیشرفت.



"در روز پنجشنبه ۲۶/۵/۵۹ دست کارگر جوانی که چندی پیش در کارخانه استخدا-سام شده و بتازگی در قسمت حلاجی پشت دستگاه گمارده شده بود، لای غلطک ماشین حلاجی مانده و از آرنج قطع میشود. از این وقایع دردناک هر چند وقت یکبار به انواع مختلف در کارخانه اتفاق می افتد و مسئله فقط منحصر به قسمت حلاجی نیست، بلکه بارها در قسمت بافندگی، ریسندگی، رنگرزی و.... اتفاقات ناگواری برای کارگران رخ می دهد. مثلاً هر چند وقتی شنیده میشود که ماکو به فلان بافنده و یا ماسوره زن خورده و یا دست کارگری لای ماشین مانده و یا.... ناگفته پید است که اگر این اتفاقات بخصوص در شب رخ دهد، چه بروز کارگر بخت برگشته می آید. چون اساساً در این کارخانه به اوج اشتغال حدود ۳۰۰۰ کارگر کارمند، نه دکتري و نه وسیله ای برای اینگونه موارد وجود دارد که بتوان مصدوم و یا مصروب را بلافاصله به درمانگاه یا بیمارستانی رساند. تازه اگر شانس کارگر گرفته باشد و وسیله ای هم فراهم شود، درد سرهای بعدی برای پیدا کردن بیمارستانی که شبانه روزی باشد و دکتري هم در آنجا حضور داشته باشد، پیش می آید. این چنین مشکلاتی همواره کارگران را رنج و غدا ب میدهد. تنها خدمات پزشکی کارخانه منحصر است به آمپورین و دواي قرمز و مقداری باند که در کشوی میز نگهبانان نگهداری میشود و آن هم معلوم نیست که همیشه موجود باشد، با وجود اینکه کارگران و کارخانه ماهیانه حدود ۱۵۰۰۰۰۰ ریال حق بیمه پرداخت می -

چند ییکار برای کارگران اتفاق می افتد؟ اصولاً آنچه که برای رژیمهای سرمایه داری ارزش دارد و مهم است، خرج کمتر و بدست آوردن سود بیشتر است و نه جان يك کارگر و بطور کلی انسانها. بنابراین هیچگونه پیش بینیهای ایمنی برای جلوگیری از خطرات احتمالی برای کارگران، اساساً در جوامع سرمایه داری وجود ندارد و اگر هم باشد بسیار بسیار اندک است و آنها متاخر میشوند. لذا خطرات در محیط کار همیشه وجود داشته و جان کارگران را تهدید می کند. از طرف دیگر چون در کارخانه ممتاز اساساً کار در پشت ماشینها بصورت کارمندی یعنی رانندمان حساب میشود، لذا هر کارگری برای بدست آوردن چند رتاق بیشتر تلاش دارد که هرچه زودتر ماشین یا ماشینها ئی تحویل بگیرد تا بتواند با کارمندی مقداری مزدش را بالا ببرد. از این جهت است که بیشتر کارگران ساده میکوشند هر روز هر چه زودتر کارهای محوله خود را بپایان برسانند تا بلکه بتوانند در فرصت باقیمانده روی ماشینها مثلاً بافندگی کار کرده و اصولاً کار باین ماشینها را یاد بگیرند تا در آینده اگر بافنده، ریسند و.... اخراج گردیده و یا به عللی از کارخانه رفت، ماشینهای او را تحویل بگیرند. این حرکت بیشتر باتوصیه مقصد بپاوسرپرستان نیز توأم است. هدف کارفرما از پرورش چنین روحیه ای نیز روشن است. زیرا اولاً این کارگران سعی میکنند که کار خود را هرچه بهتر و سریعتر انجام دهند. ثانیاً با کمک به بافنده ای که بر روی ماشین کار میکند، تا اندازه ای تولید را بالا ببرند. ثالثاً کارفرما همیشه رزرو و ذخیره برای روز مبادا دارد که اگر بافنده و ریسنده ای از کار برکنار شود و یا رقت، بلافاصله اینها را بجای آنها بگمارد و بدون پرداخت ایناری از این طریق تا حدودی کارگران متخصص جهت بهره بری بیشتر خود بوجود آورد. رابعاً سرپرستان همواره باین کار می کوشند که حس رقابت را در کارگران بوجود بیاورند و کارگران را در این بیم نگهدارند که مبادا يك موقعی متصدی یا سرپرستی به علل گوناگون این ماشینها را از کارگر قبلی گرفته و به کارگر کهنی بدهد، لذا اگر کارگر قبلی از دست دادن کار خود باید بیشتر جان بکند، بهر حال باین وضعیت دیده میشود که گاه کارگرانی که آشنائی کامل به ماشین ندارند، پشت

